

قدرت از جنس نرم

دموکراسی و قدرت نرم آمریکا

زمانی که ارزش‌ها قدرت می‌آفریند

جوزف نای استاد برجسته دانشگاه هاروارد و مبدع ایده قدرت نرم در مقاله‌ای با عنوان ((دموکراسی و قدرت نرم آمریکا)) که در تاریخ 2 نوامبر 2021 در مجله (پروجکت سندیکیت) منتشر شده است نظر خود را نسبت به وضعیت فعلی قدرت نرم آمریکا و آسیب‌هایی که ترامپ در طول مدت ریاست جمهوری‌اش به این امر وارد کرده را بیان نمود. او معتقد است هرچند رفتار ترامپ در انتخابات 2020 و عدم پذیرش نتیجه این انتخابات منجر به ضربه خوردن قدرت نرم آمریکا شده است اما در ادامه نسل‌های بعدی می‌توانند این قدرت را باز تولید کنند.

با توجه به ملاقات جو بایدن¹ با سران سایر کشورها در جریان کنفرانس تغییرات آب‌وهوایی سازمان ملل متحد ۲۰۲۱²، بسیاری می‌پرسند که ریاست جمهوری ترامپ، تا چه حد به قدرت نرم آمریکا، ضربه زده است؟ بله درست است، ترامپ، هنجارهای دموکراتیک را به شدت تخریب کرد که باید جبران شود، اما فرهنگ آمریکایی ظرفیت‌های عظیمی برای برگشت‌پذیری و اصلاح دارد که بدخواهان در گذشته، عمدتاً آن‌ها را در نظر نمی‌گرفتند. (کمبریج)³ در نشست اخیر کارشناسان سیاست خارجی فرا اقیانوس اطلس، یکی از دوستان اروپایی به گروه گفت

که قبلاً نگران افول قدرت سخت آمریکا بوده اما دوباره قوت قلب پیدا کرده است. از سوی دیگر، او در حال حاضر بیشتر نگران وقایع داخلی آمریکا و تأثیر آن‌ها بر قدرت نرمی بوده که پایه سیاست خارجی این کشور است. آیا نگرانی‌های او موجه هستند؟

- نوآوری

رهبران سیاسی باهوش، مدت‌ها است که فهمیده‌اند، ارزش‌ها می‌توانند قدرت بیافرینند. اگر من بتوانم شما را جذب و برای انجام مقصودی خاص قانع نمایم، دیگر نیازی نیست از زور یا پول استفاده کنم تا شما خواسته من را انجام بدهید. اگر ایالات متحده (هر کشور دیگری) ارزش‌هایی را

1. Joe Biden
2. 2021 United Nations Climate Change Conference
3. CAMBRIDGE

بوده است به سیاست خارجی بومی‌گرای ترامپ که از متحدان و مؤسسات چندملیتی، احتراز می‌کند و به اقدامات نامناسب دولت او در قبال همه‌گیری کرونا برمی‌گردد، اما آنچه ضربه بیشتری به قدرت نرم آمریکا وارد کرد، تلاش ترامپ برای ایجاد اختلال در انتقال

ما چگونه دموکراسی را در کشور خود اجرا می‌کنیم، مبتنی است. طبق نتایج نظرسنجی‌های بین‌المللی، دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ^۱ برای قدرت نرم آمریکا، چندان مطلوب نبوده و این مسئله تا حدودی واکنشی

1. Donald Trump

به نمایش بگذارد که برای دیگران جذابیت داشته باشد، کمتری می‌تواند از سیاست چماق و هویج استفاده کند. بخشی از قدرت نرم آمریکا بر فرهنگ و سیاست‌های خارجی این کشور استوار است، زمانی که آن‌ها برای دیگران جذابیت داشته باشند که البته برارزش‌ها و اینکه



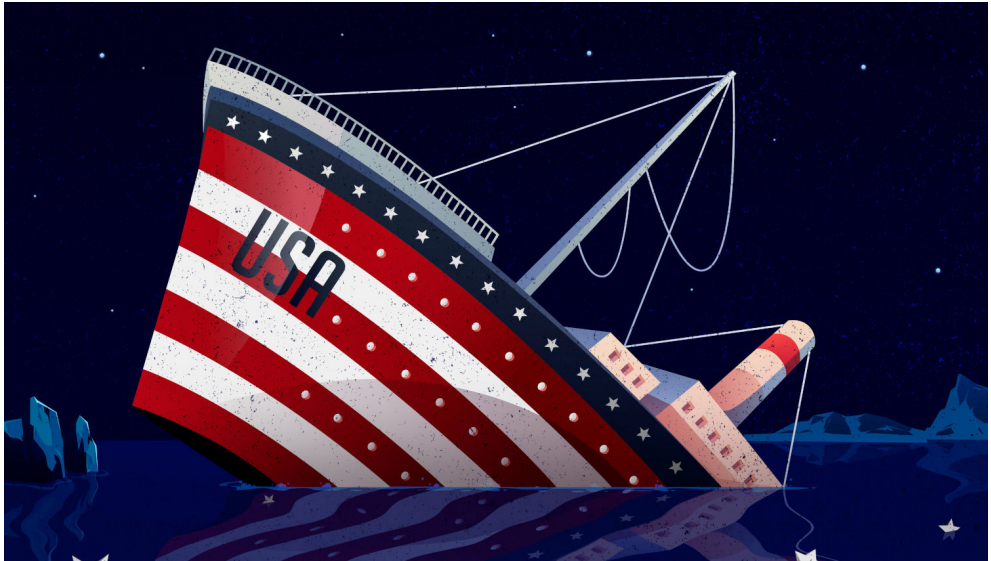
را شعله ور کرد و اعتراضات علیه جنگ ویتنام، روزبه‌روز خشن‌تر شد. بمب‌ها در دانشگاه‌ها و ساختمان‌های دولتی منفجر می‌شدند. گارد ملی^۴ دست به کشتار دانشجویان معترض دانشگاه دولتی کنت^۵ زد. ما شاهد ترور افرادی مانند مارتن لوتر کینگ^۶ و کندی-ها^۷ بودیم.

4. National Guard
5. Kent State University.
6. Martin Luther King
7. John F. Kennedy – Robert F. Kennedy

قانون اساسی قسم یاد کرده است، توئیت می‌زد». متحدان آمریکا و دیگر کشورها، شوکه شدند و جذبه این کشور از بین رفت. آیا قدرت نرم ایالات متحده احیاء می‌شود؟ این، اولین بار نخواهد بود؛ آمریکا با مشکلات جدی مواجه است اما همچنان، ظرفیت‌های برگشت و اصلاح دارد که در گذشته نیز این کشور را نجات داده‌اند؛ در دهه 1960 میلادی، میراث نژادپرستی آمریکا، آشوب‌های بزرگ شهری

سامانمند قدرت، بعد از شکست در انتخابات سال 2020 بود. در 6 ژانویه 2021، سناتور جمهوری خواه، بن سس^۲ حمله به کاخ کنگره آمریکا^۳ را این‌گونه توصیف کرد: «بزرگ‌ترین نماد استقلال در جهان غارت شد، درحالی‌که رهبر جهان -آزاد از ترس پشت رایانه خود مخفی شده و علیه معاونش به دلیل عمل به وظایفی که برای آن‌ها در برابر

2. Ben Sasse
3. US Capitol



افراد عوام‌فریبی مانند جورج والاس^۱، آتش نفرت را شعله ورتر کردند. با این حال، در طول یک دهه، کنگره مجموعه‌ای از اصلاحات سیاسی را تصویب کرد و صداقت جerald فورد^۲، سیاست‌های حقوق بشری جیمی کارتر^۳ و خوش‌بینی رونالد ریگان^۴، به بازسازی و احیاء جذب‌ه آمریکا کمک کرد. به علاوه، حتی زمانی که معترضان در سرتاسر دنیا علیه سیاست‌های آمریکا در ویتنام، به خیابان‌ها آمدند، بیشتر محتمل بود که شعار «ما پیروز خواهیم شد» را فریاد بزنند تا «انترناسیونال»^۵.

سرود جنبش حقوق مدنی روشن ساخت که قدرت آمریکا برای جلب نظر دیگران، بر سیاست

دولتی‌اش وابسته نیست بلکه به میزان زیادی به جامعه مدنی و ظرفیت آن برای اصلاح و انتقاد از خویش متکی است. برخلاف سرمایه‌های قدرت سخت (مانند نیروهای نظامی)، بسیاری از منابع قدرت نرم، از دولت جدا بوده است و فارغ از سیاست‌ها، موجب جذب دیگران می‌شوند. فیلم‌های هالیوودی و موسیقی‌های محبوب - که زنان مستقل یا اقلیت‌های قدرت گرفته را به نمایش گذاشته و توصیف می‌کنند - می‌توانند دیگران را جذب نمایند. پس رسانه‌های آزاد و گوناگون آمریکا، فعالیت خیرخواهانه مؤسساتشان و آزادی پژوهش در دانشگاه‌های این کشور نیز می‌توانند، کاربرد مشابهی داشته باشند. شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، بنیادها، کلیساها و جنبش‌های

اعتراضی در آمریکا، قدرت نرم مخصوص به خود را توسعه می‌دهند که می‌تواند، موجب تقویت دیدگاه دیگران در مورد این کشور شود. درحالی‌که اعتراضات مسالمت‌آمیز، می‌تواند قدرت نرم بیافریند، گروهی که ۶ ژانویه در داخل و اطراف کنگره بودند، بسیار با صلح‌آمیز بودن فاصله داشتند. اتفاقات آن روز، یک تصویرنگران‌کننده از روشی بود که ترامپ، با استفاده از آن قطبی‌سازی سیاسی را تشدید کرد؛ اقدامی که اکنون نیز با تبدیل افسانه خود مبنی بر دزدی در انتخابات به یک آزمون لیتاموس^۶ در حزب جمهوری خواه آن را دنبال می‌کند. یقیناً، آمریکا قبلاً تجربه افزایش قطبی‌سازی سیاسی را مدت‌ها قبل از اینکه ترامپ در سال ۲۰۱۶ انتخاب شود،

1. George Wallace.
2. Gerald Ford
3. Jimmy Carter
4. Ronald Reagan
5. Internationale

افکار عمومی و جلسات استماع کنگره، به‌کندی در حال نشان دادن واکنش به این مسئله هستند. در همین زمان، فرهنگ آمریکا هنوز ظرفیت‌هایی برای بازگشت و اصلاح دارد که بدخواهان گذشته، از آن‌ها غافل شده‌اند؛ آزادی مطبوعات، دادگاه‌های مستقل و حق اعتراض مسالمت‌آمیز، از جمله این منابع و ظرفیت‌های عظیم قدرت نرم آمریکا به حساب می‌آیند. حتی زمانی که سیاست‌های دولتی اشتباه موجب کاهش جذب آمریکا می‌شود، ظرفیت خوداندیشی و خوداصلاحی این کشور، موجب جذب دیگران در سطحی عمیق‌تر خواهد شد. چنانچه من به دوست اروپایی مردد خود گفتم، ارزش‌ها با نسل‌ها تغییر می‌کند و نسل جوان‌تر، منبعی از امید است.

انتخابات 2020، به برکناری یک انسان عوام‌فریب و هوچی منجر شد. همچنین، در بیش از 60 پرونده انتخاباتی که توسط قضات مستقل، از جمله برخی منصوبین خود ترامپ، بررسی شدند، نتایج انتخابات تأیید گشتند. سرانجام کنگره نیز صحت انتخابات را تأیید کرد. این امر، بدین معنا نیست که وضعیت دموکراسی در آمریکا خوب است. ریاست جمهوری ترامپ، طیفی از هنجارهای دموکراتیک را از بین برد. قطبی‌سازی ادامه دارد و بیشتر جمهوری خواهان، دروغ‌های او در مورد انتخابات را باور دارند. الگوهای تجاری شبکه‌های اجتماعی با اتکا بر الگوریتم‌هایی که از «مشارکت» کاربر سود می‌برند، موجب تشدید قطبی‌سازی موجود می‌شوند و کمپانی‌هایی مانند فیس‌بوک و گوگل نیز تحت فشار

داشته است. ابتکار ترامپ، تشدید و سوءاستفاده از پوپولیسم بومی گرا به عنوان یک سلاح سیاسی برای به دست گرفتن کنترل حزب جمهوری خواه بود. در این میان، او جمهوری خواهان کنگره را با این تهدید که از سوی حامیانش به چالش کشیده خواهند شد، می‌ترساند. بسیاری هنوز هم از اظهار مخالفت با دروغ‌های ترامپ در مورد انتخابات سال 2020 هراس دارند. البته در یک نظام فدرال، تلاش‌های ترامپ برای وادار کردن بسیاری از مقامات دولتی و نمایندگان برای «پیدا کردن» آراء، با ایستادگی آن‌ها روبه‌رو شد. برخی افراد بدبین نگران‌اند که آیا این رویه، می‌تواند ادامه پیدا کند یا خیر؟

افرادی که سوگوار مرگ دموکراسی آمریکایی هستند، باید به یاد داشته باشند که مشارکت بی‌سابقه در

